

# اسطوره‌های جهان نو در چشم انداز میرچا الیاده

● مسعود علیا

میرچا الیاده (Mircea Eliade)، دین‌شناس، اسطوره‌شناس و نویسنده رومانیایی، سهم زیادی در گسترش و پیشرفت دانش اسطوره‌شناسی (mythology) و دین‌شناسی در قرن حاضر دارد. آوازه‌ی این پژوهنده و تاریخ‌نگار ادیان و اساطیر به ایران نیز رسیده و آثاری از وی به فارسی برگردانده شده است. از جمله آخرین آثار ترجمه شده الیاده می‌توان به دو کتاب «اسطوره، رؤیا، راز» و «مقدس و نامقدس» (به بیان دقیق‌تر: قدسی و دنیوی) اشاره کرد. او همچنین ویراستار یکی از بزرگترین و در نوع خود جامع‌ترین دایرةالمعارف‌های جهان به نام «دایرةالمعارف دین» بوده که تاکنون گزیده‌هایی از مقاله‌های آن در ایران منتشر شده است.

اگر چه در هر یک از آثار الیاده چشم‌اندازهای تازه‌ای به چشم می‌خورد، اما در جای‌جای آثار گوناگون وی، برخی درونمایه‌ها تکرار می‌شوند، به گونه‌ای که می‌توان گفت هر کتاب الیاده تا اندازه‌ای، بازاندیشی و تکمیل آثار پیشین

اوست. از جمله درونمایه‌هایی که در آثار این پژوهشگر بارها تکرار می‌شود ردیابی اسطوره و بینش اساطیری در ذهن، اندیشه و نهادهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی انسان امروز است. پیش از پرداختن به این درونمایه بجااست که به اختصار و در حوصله‌ی این نوشتار، دیدگاه الیاده درباره‌ی اسطوره و بینش قدسی را مرور کنیم. از نظر الیاده، اسطوره تاریخ مقدسی را روایت می‌کند. اسطوره بیان می‌دارد که چگونه موجودات فراطبیعی واقعیت‌ها را به وجود آوردند.

محدوده‌ی عمل این موجودات گستره‌ای وسیع است؛ چنان که در اسطوره پیدایش کوچکترین رفتارهای انسانی، پدیده‌های گوناگون همچون سنگ و یا نمونه‌ای از یک گیاه و... به نیروهایی فراطبیعی نسبت داده می‌شود. از این رو «اسطوره، تاریخ راستینی است که در سرآغاز زمان روی داده است و الگویی برای رفتار انسان فراهم آورده است.»

در نظر انسان جوامع سنتی، اسطوره «تنها منبع معتبر الهام واقعیت» به شمار می‌رود. در جوامع باستانی و ابتدایی اسطوره بیانگر «حقیقت مطلق» است؛ زیرا تاریخ مقدسی را بازگو می‌کند، یعنی الهامی ورا انسانی که در

طلوع زمان بزرگ (Great Time) و در زمان مقدس سرآغاز (in illo tempore) روی داده است. اسطوره «واقعی» و «مقدس» است و به همین سبب سرمشق و در نتیجه «تکرارپذیر» می‌شود. زیرا به مانند الگو عمل می‌کند و با همین استدلال همچون توجیهی برای تمامی گزاره‌های انسان است. به کلامی دیگر، اسطوره تاریخ راستینی است که در سرآغاز زمان روی داده و الگویی برای رفتار انسان فراهم آورده است.

الیاده ضمن انتقاد از شیوه‌های کاهشنده (reductive) در تحلیل و تفسیر اساطیر، بزرگترین کارکرد اسطوره را فراهم آوردن سرمشقی‌هایی برای مراسم و کنش‌های گوناگون انسان همچون کار، هنر، ازدواج و... می‌داند و از همین روست که در نظر انسان جوامع باستانی «هر چیزی که فاقد الگوی مثالی است «بی‌معنی» است یعنی، واقعیت ندارد.»

الیاده بر این باور است که در روزگار نو، در نتیجه‌ی تغییرات و تحولات گوناگون، کیهان از تقدس درآمده و امر دنیوی کردن زندگی و کیهان در جوامع نو، بسیار پیش‌رفته است و انسان نوعی امروز، هیچ‌گونه سرمشقی را از بیرون نمی‌پذیرد و «تنها زمانی واقعا آزاد

خواهد بود که آخرین خنای کشته باشد...»  
در نظر انسان نوعی امروز، تاریخ خود را جایگزین زمان اسطوره‌ای کرده است و تقدس‌زدایی (desacralization) از زمان و مکان از جمله فرآیندهای شاخص عصر جدید به شمار می‌رود. انسان امروز «استعلا» یا فراروی (transcendence) را باور ندارد و...

آنچه گفته شد، یک روی سکه‌ی نگرش الیاده به انسان امروز است و اگر به همین بسنده کنیم، به خطا رفته‌ایم. او معتقد است که با تمام این حرف‌ها، هنوز هم می‌توان جای پای اسطوره، بینش اساطیری و تفکر مقدس و معنوی را در جای‌جای رفتارها و نهادهای انسان امروز دید. در نظر الیاده هر چند به دلیل فرایند مستمر دنیوی شدن ممکن است در نظر اول، این نشانه‌ها به چشم نیایند اما با تأمل بیشتر می‌توان پاره‌ای از مضمون‌های اسطوره‌ای را در جوامع جدید مشاهده کرد. گذشته از اسطوره‌های جمعی، در سطح تجربه‌ی فردی نیز ردیابی بینش اسطوره‌ای پیداست. این «اسطوره‌شناسی شخصی» در خیابانی‌ها و رویاهای انسان امروز به چشم می‌آید.

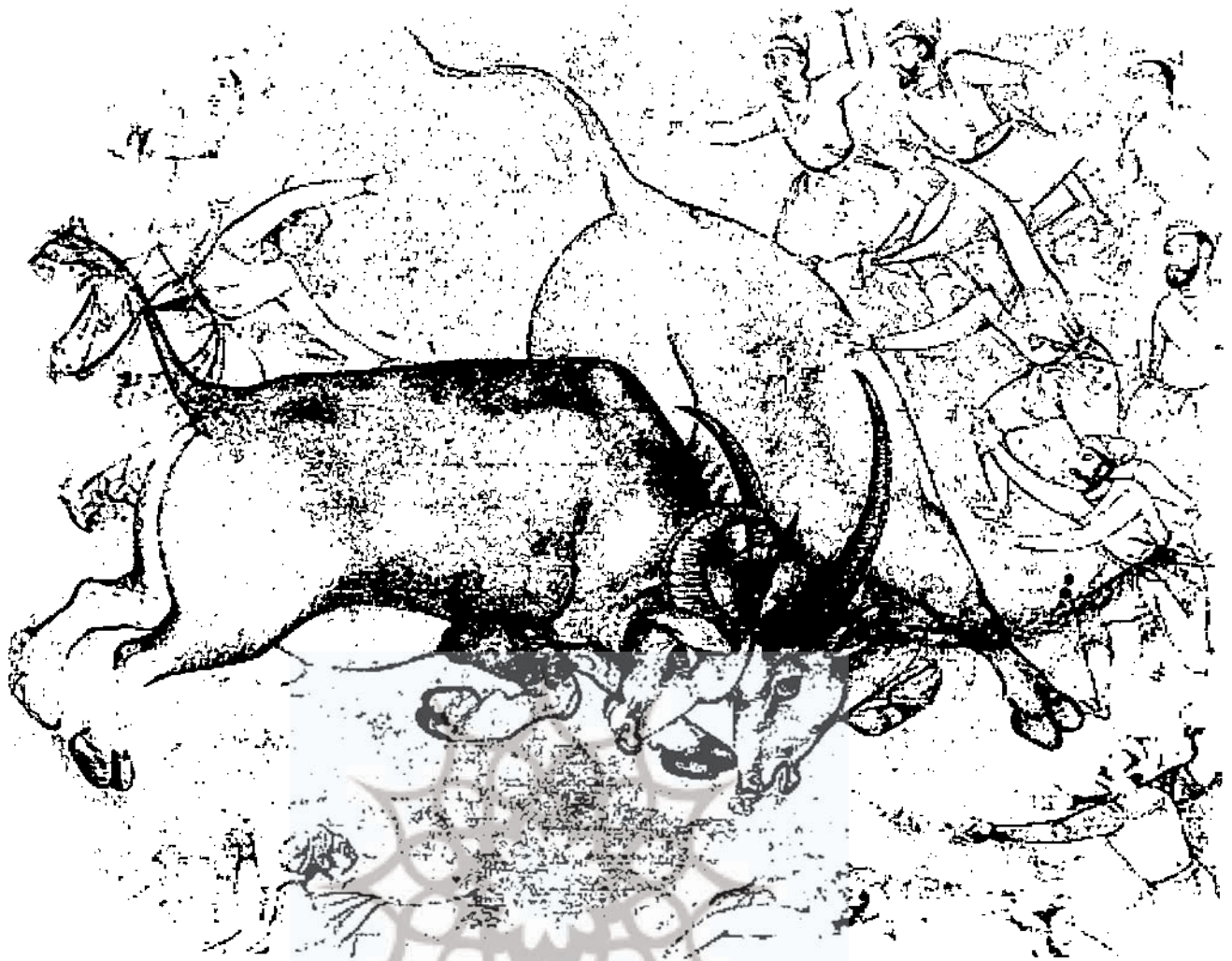
اما چرا با وجود فاصله‌ی فراوان میان انسان جوامع نو و انسان جوامع سنتی، هنوز هم می‌توان از اسطوره‌های جهان نو سخن گفت؟ پاسخ الیاده به این پرسش، تأمل برانگیز است: «اسطوره و نمادهایی که به همراه خود می‌آورد، هرگز به طور کامل از جهان کنونی روان ناپدید نمی‌شود، بلکه تنها جلوه‌ی خود را تغییر می‌دهد و عملکردهایش را پوشیده نگاه می‌دارد.»

کاوش و جست‌وجوی ردیابی «اسطوره‌های جهان نو» بخش مهمی از آثار الیاده را به خود اختصاص داده است. او با تیزبینی سعی در پرده گشودن از ساختارهای اسطوره‌ای در رفتارها و نهادهای انسان امروزی دارد.

به باور الیاده ردیابی بینش و درونمایه‌های اسطوره‌ای را در بسیاری از حوادث تاریخی و در گستره‌ی فرهنگ و سیاست و اجتماع می‌توان یافت. نهضت‌های کمونیسم و ناسیونال سوسیالیسم از نظر او دو اسطوره‌ی سیاسی عصر حاضر است. بخش زیادی از آثار او شناسایی این درونمایه‌ها در گستره‌ی وسیع رفتارها و نهادهای انسان امروز از جمله در روانکاوی، ادیان کوچک، نهضت‌های اباحه، فستیوال‌های دنیای امروز، نمونه‌سازی از تاریخ زندگی یک فرد و تبدیل یک شخصیت تاریخی به یک صورت ازلی، نهاد آموزش و پرورش، سرگرمی‌های بصری، هنرها، ادبیات، نهضت‌های هزاره‌گرای عصر جدید، رسانه‌های همگانی و... اختصاص دارد.

در اینجا با توجه به گستردگی بحثه تنها به بازنمایی دیدگاه‌های الیاده درباره‌ی حضور درونمایه‌های اسطوره‌ای در کنش خواندن و هنرها و ادبیات می‌پردازیم.





## در روزگار نو کیهان از تقدس درآمده و امر دنیوی کردن زندگی و کیهان در جوامع نو، بسیار پیش رفته است و انسان نوعی امروز، هیچ گونه سرمشقی را از بیرون نمی پذیرد

تکرار کند. حتی رمان‌های پلیسی چنان که «راجر کایو» (Roger Callos) به خوبی نشان داده، سرشار از مضمون‌های اسطوره‌ای است. «و «داستان متثور، خاصه رمان، در جوامع جدید، جایی را که نقل اساطیر و قصه‌ها در جوامع سنتی و مردمی دارد، گرفته است»<sup>۱</sup>

الیاده در کتاب خود به نام «اسطوره رویه راز» آفرینش شاعرانه را به معنای از بین بردن زمان و به بیان روشن‌تر از بین بردن تاریخ متمرکز در زبان و بازیابی وضعیت بهشتی نخستین می‌داند.

جای پای درونمایه‌های اسطوره‌ای در هنرها و از جمله هنرهای دیپلاری نیز آشکار است. «جنال میان قهرمان و هیولای دریایی، آزمون‌های دشوار آشناسازی و... از جمله

شویبه از سینچی خود خارج شده تا به ریتم‌های دیگر، و زیستن در تاریخی متفاوت دست یابیم... شاید به درستی بتوان گفت که (خواندن یا مطالعه) خواسته‌ی اسرارآمیز او (انسان جدید) را در جهت کناره‌گیری از شدن کینه‌توزانه‌ای که به سوی مرگ راه دارد، برآورده می‌سازد.»<sup>۲</sup>

در آثار ادبیات تخیلی از جمله رمان‌ها نیز می‌توان تا اندازه‌ای «سرنمون»‌ها یا «دیرینه الگو»های اسطوره‌ای را مشاهده کرد. از نظر الیاده «خصلت اسطوره‌ای کتاب‌هایی که در بساط کتاب فروشی‌ها یافت می‌شود، کاملاً آشکار است.»<sup>۳</sup>

الیاده آزمون‌ها و دشواری‌هایی را که در برابر قهرمانان رمان‌ها قرار دارد، با آزمون‌ها و دشواری‌هایی که قهرمانان اسطوره‌ای از سر می‌گذرانند، مقایسه می‌کند. گذشته از سربراوردن جنبش‌های ادبی مانند سوررئالیسم که توجه خاصی به نمادهای روان و مضامین اسطوره‌ای داشته می‌توان بسیاری از درونمایه‌های رمان‌های امروز را با همتهای اسطوره‌ای آنها قیاس کرد. جست‌وجوی جام مقدس، رازآموزی (initiation) اسطوره‌ای و... از جمله مضامین اسطوره‌ای است که در شکلی تازه در رمان‌ها و داستان‌های امروزی با آنها روبه‌رو می‌شویم. «هر رمان مردم‌پسند، قادر است مبارزه الگوی خیر و شر، قهرمان و تبهکار (تناسخ اهریمن در شکل نو) را به نمایش بگذارد و یکی از بن‌مایه‌های جهانی فولکلور، زن جوان شکنجه شده، رستگاری به یاری عشق، محافظ ناشناس و مانند آن را

«مطابق تعبیر الیاده، انسان در روزگار باستان همیشه در جنب چرخ گرفتار نبوده و سرتاسر زندگی‌اش در معرض ترکتازی زمان قرار نداشته است. اما در روزگار ما، حداقل از زمان دکارت به بعد، از آنجا که انسان متجدد غربی فقط واقعیت زمان تاریخی را باور دارد، زندگی و سرنوشت خود را با روزگار گذرانیدن پیوند داده و موجودی یکسر تاریخی و تاریخگرا شده است. از این رو امید و باور سلاح‌های قدیمی خود را یکی پس از دیگری از دست داده و در برابر زمان زبون و بی‌پناه مانده است.»<sup>۴</sup>

گریز از زمان تاریخی و روی آوردن به «زمان آغاز» به کمک آیین‌های احیای زمان آغاز، از جمله ویژگی‌های انسان باستانی است. چرا که «انسان فرهنگ‌های باستانی به زحمت می‌تواند تاریخ را برتابد و می‌کوشد که آن را هر چندگاه یک بار برانندازد.»<sup>۵</sup>

اما همان طور که گفتیم الیاده اگر چه به تغییر شکل و دگرگونی درونمایه‌های اسطوره‌ای در عصر حاضر باور دارد، اما مرگ اسطوره‌ها را نمی‌پذیرد. از این رو وی کنش خواندن را به طور ناخودآگاه راهی برای ارضای نیاز آدمی به گسستن از زمان تاریخی و راهیابی به ساخت زمان اسطوره‌ای می‌داند. «لکنون مطالعه حتی شاید بیش از سرگرمی‌های بصری، آدمی را از سینچی زمان می‌گسلد و امکان «فرار از زمان» را فراهم می‌سازد. چه زمان را با داستان پلیسی بکشیم، یا با خواندن هرگونه رمان، وارد عالم گذرای دیگری

به باور الیاده ردپای بینش و درونمایه‌های اسطوره‌ای را در بسیاری از حوادث تاریخی و در گستره‌ی فرهنگ و سیاست و اجتماع می‌توان یافت. نهضت‌های کمونیسم و ناسیونال سوسیالیسم از نظر او دو اسطوره‌ی سیاسی عصر حاضر است

این درونمایه‌هاست. همچنین الیاده نقش قهرمانان واقعی و تخیلی هنرهای بصری از جمله سینما را در شکل دادن به ذهن نوجوانان امروز و تقلید نوجوانان از این قهرمان را نوعی رفتار اسطوره‌ای و این الگوها را همتای الگوهای اسطوره‌ای می‌داند. از نظر الیاده، تئاتر، سینما، و به تعبیری «کارخانه‌ی رویا»، و سرگرمی‌های دیگر دارای اصلی مشترک هستند: «زمان متمرکز» و این زمان از لحاظ کیفی متفاوت با زمان سنجی دنیوی است.

#### پانویست‌ها:

- ۱- میرچا الیاده، اسطوره، رویا و راز، رویا منجم، تهران: فکر روز، چاپ اول، ۱۳۷۴، صص ۲۴ - ۲۲.
- ۲- میرچا الیاده، اسطوره‌ی بازگشت جاودانه (مقدمه بر فلسفه در تاریخ)، ترجمه بهمن سرکارانی، تبریز: نیما، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۶۰.

3- Mircea Eliade,  
trans. the sacred and the profane, the  
nature of religion,  
Willard R.  
Harcourt, Brace co. New  
York 1959, P. 203. Trask.

- ۴- اسطوره، رویا، راز، صص ۲۸ - ۲۷.
- ۵- ibid, P. ۲۰H
- ۶- بهمن سرکارانی، مقدمه بر کتاب اسطوره بازگشت جاودانه، ص ۷.
- ۷- میرچا الیاده، اسطوره بازگشت جاودانه، ص ۶۲.
- ۸- اسطوره، رویا، راز، ص ۲۶.
- ۹- همان، ص ۲۵.
- ۱۰- میرچا الیاده، چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس، ۱۳۶۲، ص ۱۹۳.
- ۱۱- برای نمونه بنگرید به کتاب

symbolism Images  
and Symboles, studies in religions

که در آن الیاده بحثی درباره‌ی زنده ماندن نمادها دارد.

کتاب: ماه هنر / مرداد و شهریور ۱۳۸۰

